

بانک اسلامی یک "بازرگان" است

تفاوت بانکداری اسلامی با بانکداری غیراسلامی

منبع: Gulf News

نویسنده: سهیل زبیری - قائم مقام و مدیر توسعه محصولات بانک اسلامی دبی

اگر بدانند که بانکداری اسلامی، برای اولین بار در دبی متولد شد. برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ بود که مفهوم بانکداری اسلامی شکل گرفت، مفهومی که اگرچه در ابتدا بسیار کوچک و محدود بود، اما پس از گذشت ۳۰ سال، تبدیل به توفانی سهمگین شده است. احساس شخصی من این است که بانکداری اسلامی، یک نوع "انقلاب آرام" در جهان مسایل مالی بشمار می آید.

اما چه چیز بانکداری اسلامی را از بانکداری سنتی متمایز می سازد؟ این مفهوم تا چه حد واقعیت دارد؟ چرا یک نفر باید بانک اسلامی را به بانک سنتی ترجیح دهد؟ بانکهای اسلامی برای به دست آوردن بهره بیشتر چگونه می توانند با بانکهای سنتی رقابت کنند؟ چرا قیمت سهام بانکهای اسلامی در امارات متحده عربی در حال افزایش است؟ این پرسشها و پرسشهای مشابه، در ذهن بسیاری از خوانندگان، بدون پاسخ باقی مانده اند.

من خواهم کوشید تا پاسخهای قانع کننده ای برای این پرسشها بیابم و حداکثر تلاشم را خواهم کرد تا توضیحات مختصر و مفیدی را در مورد مسایل مربوط به بانکهای اسلامی ارائه دهم. در بخشهای بعدی نیز به بحث چگونگی استفاده بانکهای اسلامی از سپردههای مشتریان و مقایسه آن با نحوه برخورد بانکهای سنتی با این سپردهها خواهیم پرداخت.

یکی از تفاوتهای اصلی بانکداری سنتی با بانکداری اسلامی در این است که در بانکداری سنتی، بانک، سرمایهها را از سپردهگذاران با یک نرخ بهره از پیش تعیین شده قرض میگیرد و سپس همان سرمایهها را به مشتریان خود قرض می دهد، البته باز هم با یک نرخ بهره از پیش تعیین شده. با این

بارها از من خواسته شده است تا در مورد تفاوتهای موجود بین بانکهای اسلامی با بانکهای سنتی (غیراسلامی)، مطلبی بنویسم. این موضوع، به علت گرایش روزافزون بانکهای داخلی و خارجی در امارات متحده عربی به ایجاد موسسات و شعب اسلامی و ورود آنها به "بازارهای اسلامی" یا به اصطلاح "دریچه اسلامی" و اتحاد با بازیگران این عرصه، اهمیت به مراتب بیشتری پیدا کرده است. نمونههای اخیر این گرایش را می توان در تحول تاریخی بانک میدل ایست (بانک اسلامی امارات کنونی) یا بانک املاک از حالت موسسات مالی سنتی، به موسسات مالی اسلامی و همچنین ایجاد شعب اسلامی توسط Standard Chartered Bank و ANB و Amro Bank سراغ گرفت.

فراموش نکنیم که سنگاپور هم فعالیتهای گسترده ای را در زمینه بانکداری و تامین مالی اسلامی انجام داده و هدف اصلی خود را تبدیل شدن به مرکز فعالیتهای مالی و سرمایه گذاری در منطقه آسیا - اقیانوسیه قرار داده است. و یا فراموش نکنیم که بانک مرکزی پاکستان هم تمام بانکهای تجاری این کشور را موظف به دایرکردن شعب خاص عملیات بانکداری اسلامی نموده است.

من اطمینان دارم که طرحها و برنامههای مشابهی نیز در سایر نقاط جهان و در آینده ای نزدیک به اجرا در خواهند آمد. بنابراین، در حالی که کشورهای مختلف می کوشند تا گوی سبقت در این زمینه را از دیگران برابند و در نتیجه، نقش اساسی تری را در عرصه گسترش بانکداری اسلامی ایفا نمایند، شهروندان دبی و در سطح کلی تر امارات، خوشحال خواهند شد

مفهوم بانکداری اسلامی طی ۳۰ سال، تبدیل به توفانی سهمگین شده است.

□ علاوه بر این، صاحب مال، این حق را دارد تا در صورت وقوع هرگونه ضرر و زیان از مضارب ادعای خسارت نماید. یک بانک اسلامی، سرمایه‌ها را از طریق حساب‌های جاری، حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری و حساب‌های سپرده پس‌انداز، از مشتریانش دریافت می‌دارد. به سرمایه‌های حساب‌های جاری، هیچ بهره‌ای تعلق نمی‌گیرد و لذا این حساب‌ها از مقوله مضاربه خارج می‌باشند. بانک‌های اسلامی، پرداخت یک سود منصفانه و ایمن را تضمین می‌نمایند. سپرده‌های دریافت‌شده از سپرده‌های سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، بخشی از مضاربه بوده و سود برگشتی آنها به صورت روزشمار محاسبه می‌شود.

پرداخت از حساب‌های سپرده پس‌انداز، در هر ماه، فقط یک بار امکان‌پذیر است. مدت زمان سپرده‌گذاری حساب سپرده‌گذاری، ثابت بوده و در قالب دوره‌های یک‌ماهه، سه‌ماهه، شش‌ماهه، نه‌ماهه و دوازده‌ماهه و غیره تعیین می‌شود. بنابراین، بانک اسلامی، به جای دریافت یا پرداخت بهره وارد "مضاربه" می‌شود و براساس شرایط مضاربه، به عنوان یک مدیر سرمایه یا مضارب عمل می‌نماید و با استفاده از دانش و تجربیات خود، فرصت‌های مفید و پرمفعت را شناسایی کرده و سرمایه‌ها را در آنها به‌کار می‌اندازد. درآمد ناشی از این فعالیت‌ها هم براساس نسبت ازپیش‌تعیین‌شده، بین طرفین تقسیم می‌شود.

در این میان، تامین‌کنندگان سرمایه، یعنی مشتریان بانک، مالک اصلی سرمایه‌ها می‌باشند و نه خود بانک‌ها. در این حالت، بانک مسوول جبران هرگونه ضرر و زیان ناشی از اشتباه در سرمایه‌گذاری یا غفلت در استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد.

اینک نوبت به طرح یک پرسش جدید می‌رسد: یک بانک اسلامی چگونه قادر خواهد بود به آن میزان درآمدی برسد که کفاف هزینه‌های عملیاتی، پرداخت سود به سپرده‌گذاران و پرداخت سود سهام به سهامداران را بکند؟

پیش از پاسخ‌دادن به این پرسش، می‌بایستی به یکی دیگر از ابعاد تفاوت بین دو نوع بانکداری اسلامی با سنتی از منظر کسب مجوز و قوانین حاکم بر آنها بپردازیم.

بانک‌های سنتی در سرتاسر جهان، مجوز فعالیت خود را از مقامات ذیربط بانکی، یعنی از بانک‌های مرکزی، ادارات خدمات مالی، وزارت اقتصاد و دارایی و غیره دریافت می‌دارند. براساس این مجوز، به بانک‌ها اجازه داده می‌شود تا سپرده‌ها را با یک نرخ سود ازپیش‌تعیین‌شده از مشتریان (عموم مردم) بپذیرند و سپس همین سرمایه‌ها را با یک نرخ ازپیش‌توافق‌شده به مشتریان دیگر قرض دهند.

بانک‌های سنتی می‌توانند از این سرمایه‌ها برای هر هدفی

حال، نرخ بهره پرداخت‌شده به وسیله بانک به سپرده‌گذاران، تا حد قابل‌ملاحظه‌ای کمتر از نرخ بهره‌ای است که بانک از مشتریان خود دریافت می‌دارد. این مابه‌التفاوت، همان درآمد بانک نامیده می‌شود.

علاوه بر این، در حالی که بانک‌های سنتی قدرت انحصاری افزایش نرخ بهره دریافتی از مشتریانشان را در اختیار دارند و می‌توانند در هر زمانی که خواستند، این نرخ را بالا و پایین بیاورند، سپرده‌گذاران از چنین امتیازی محروم هستند و فقط بهره با نرخ ثابت ازپیش‌تعیین‌شده را از بانک دریافت می‌دارند. اما در مورد بانک‌های اسلامی، قضیه کاملاً فرق می‌کند. اولین و مهمترین تفاوت بانک‌های اسلامی با بانک‌های سنتی در این است که بانک‌های اسلامی، همان پولی را که از مشتریانشان قرض می‌گیرند، یعنی از سپرده‌گذاران، به سایر مشتریانشان (وام‌گیرندگان) قرض نمی‌دهند. یک بانک اسلامی با توجه به توانایی خود به عنوان یک مدیر سرمایه و براساس شرایط خاص قرارداد مدیریت سرمایه، سرمایه‌ها را از افراد و موسسات می‌پذیرد. در این حالت، آن افراد و موسسات که سرمایه را تامین می‌کنند، صاحب مال (رب‌المال) می‌باشند و بانک یا موسسه مالی اسلامی "مضارب" است و معامله صورت‌گرفته بین این دو طرف هم "مضاربه" نامیده می‌شود.

یک قرارداد مضاربه می‌بایستی برای مطابقت‌یافتن با شریعت اسلام، دارای پارامترهای عمده زیر باشد:

□ مضارب، سرمایه‌ها را به نیابت از صاحب مال، در پروژه‌های پرمفعت و با کمک مهارت‌ها و کارشناسان مجرب به کار می‌گیرد.

□ مضارب نمی‌تواند نرخ برگشتی به صاحب مال را از پیش تعیین نماید، با این حال، مضارب می‌تواند با توجه به عملکرد گذشته خود، به طور تقریبی این میزان را اعلام کند.

□ مضارب می‌تواند با توجه به صلاحدید خود، سرمایه‌ها را در هر جا که مناسب بداند، به‌کارگیرد، با این حال، این سرمایه‌ها را نباید در فعالیت‌های ناقض اصول شریعت اسلام به‌کار گرفت.

□ صاحب مال، نباید در کارها و فعالیت‌های مضارب دخالت کند.

□ مضارب، منفعت حاصل از فعالیت‌هایش را با صاحب مال، براساس نسبت از پیش تعیین‌شده تقسیم می‌کند.

□ مضارب، اصل سرمایه را بعد از اتمام دوره مضاربه به صاحب مال برمی‌گرداند و به همراه آن، سود قطعی حاصل از مضاربه را نیز خواهد پرداخت.

□ در صورتی که مضارب نتواند آنطور که باید و شاید، سرمایه‌ها را به‌کاربندد، به طوری که این کار باعث وقوع ضرر و زیان شود، مضارب می‌بایستی کلیه ضرر و زیان‌ها را جبران کند و اصل سرمایه را نیز به صاحب مال بازگرداند.

■ ■ ■
در بانکداری اسلامی، مشتریان بانک که سرمایه را تامین می‌کنند، مالک اصلی سرمایه‌ها می‌باشند و نه خود بانک‌ها.
■ ■ ■